

در این "عمامه" خرگوشی نمانده است!

بخشی از گفتگوی تلویزیون پرتو با کورش مدرسی درباره "انتخابات" مجلس خبرگان

تهیه و تنظیم از مصطفی اسد پور

منوال هر دو جنبه - هم جنبه نمایشی و هم جنبه واقعی کشمکش میان جناحهای حاکمه را منعکس میسازند.

تلویزیون پرتو: از همه روشنفکران جنبه مشارکت است که در اینمورد اظهار نظر کرده است. گفتند که این پیروزی بر علیه اقتدارگرایان و علیه ناکرآمدی دولت احمدنژاد بوده است. گفتند

که شمارش آرا را با نکت دنبال میکنند. اگر این کشمکش و این نتیجه و این پیروزی مهم است، چرا جای پای دیگری از جناح پیروز مشاهده نمیشود؟ چرا رفسنجانی بجای درو کردن این پیروزی، اینقدر با تامل و سرسنگین با این ماجرا برخورد میکند؟

کورش مدرسی: به این دلیل ساده که هر دوی این "پیروزیها" یکبار قبلا هر دو شکست خورده اند. اگر دو خرداد و مشارکت خیلی هنر داشت در همان هشت سال دوره پیروزی بزرگشان کاری را صورت میدادند. در هشت سال همه شاهد بودیم که اینها مظهر تزلزل برای هر گونه رفرم و سبیل حفاظت رژیمشان عمل کردند. هنوز هم همینطور عمل میکنند. جنبه مشارکت لطفا باید از اظهار فضل در مورد کارآمدی در اداره دولت خودداری نمایند! رفسنجانی هم قبلا امتحان خود را پس داده است. قبلا به این پرداخته ایم که در صحنه سیاسی امروز ایران رفسنجانی و مشارکت و خوردها نماینده هیچ چیز نیستند. نه برنامه ای دارند. نه هدفی

ای روبرو هستند که این حکومت را نمیخواهند. هر بخش از حکومت میخواهد که خود دست بالا را داشته باشد. در عین اینکه هر بخش از این دعوا در حکومت سعی دارند "ته" مردم و بیزاری مردم را از کانال "انتخابات" نقد کنند و بکسبه خود بریزند. در يك دوره دوبردار از این کانال استفاده کرد. آنها سعی کردند از وضعیت جامعه سود ببرند و يك نوع از اسلام معتدل تر را روی کار بیاورند و حکومت اسلامیشان را نجات بدهند. امروز ائتلاف رفسنجانی میخواهند از صحنه امروز ایران چنین سودی را نصیب خود سازند.

امروز کشمکش میان ائتلاف رفسنجانی و بلزماندگان دو خرداد از يك طرف و جناح احمدنژاد و ارتجاع فشرده جمهوری اسلامی با پرچم مستضعف پناهی آن از طرف دیگر است. ائتلاف اولی در صحنه سیاسی ایران نماینده پرچم واقعی و قابل اعتنایی نیستند. در اینمورد هم کشمکش میان جناحها، هم واقعی هست و هم نیست. يك نمایش است تا آنجا که به مردم مربوط میشود. در عین اینکه در میان خود اینها مهم است که کدام جناح دست بالا را پیدا میکند. در مورد مضمون و نتیجه این کشمکش بیشتر میتوانیم صحبت کنیم. اما باید اضافه کنم که این قاعده در مورد "انتخابات" در مورد جوامع غربی هم صدق میکند. آنجا دست کمی از این نمایشها ندارند. وضع آنها البته از جمهوری اسلامی بهتر است اما به همین



koorosh.modarresi@gmail.com

تلویزیون پرتو: يك نفر در یادداشت پای گزارشی از "انتخابات" مجلس خبرگان نوشته بود که خوب شد قال قضیه کنده شد و ما از شر اینهمه جار و جنجال خلاص شدیم! اما قضیه پندیده انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی اینبار طولانی بود. مقدمات و تایید صلاحیت و بعد هم انبوهی از تبلیغات انتخاباتی، شمارش آراء و حالا هم کشمکش بر سر تعیین برنده و بلزنده. در بررسی این پدیده اجازه بدهید با چند سوال کوتاه گفتگویمان را آغاز کنم.

مگر نه اینستکه میگوییم رژیم با زد و بند بر سر کار است، مگر نمیگوییم که تقلب حرفه اینهاست، مگر نمیگوییم که همه این ماجرا يك نمایش است، اما اینهمه خرج و جد و جهد تبلیغاتی برای چیست؟

کورش مدرسی: ببینید، شما از "نمایش" گفتید. بنظر من این ماجرا هم "نمایش" هست و هم نیست. انتخابات جمهوری اسلامی هر دو اینهاست. تا آنجا که به مردم برمیگردد این فقط يك نمایش است. آنچه که به آن انتخابات اطلاق میکنند در حقیقت يك سیرک است که عده ای از خودی های رژیمشان را جلوی مردم میگذارند که میان این عده، با عمامه یا بدون عمامه، به چند تایشان رأی داده شود. اما همزمان در جمهوری اسلامی این انتخابات بخشی از دعوی میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه رژیم است. این تکه ماجرا دیگر نمایش نیست، واقعی است. حکومتگران در این جامعه هم کشمکش قدرت میان خود دارند، و هم اینکه با جامعه

جمعه ما منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

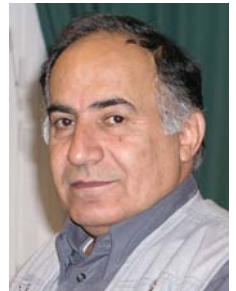
۸ دی ۱۳۸۵ - ۲۹ دسامبر ۲۰۰۶

سرمدبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

نگاهی به زمینه های جنگ کنونی در سومالی

ایرج فرزاد



Iraj.farzad@gmail.com

اسلامی" در ایران و در آستانه فروپاشی اردوگاه شوروی سابق. دولت "فدرال" سومالی در این سال فرومیپاشد و در دل این فروپاشی، دادگاههای اسلامی که بر اساس قوانین شریعه و ملهم از "احادیث" شکل گرفته اند، عینا چون جریانات اسلامی در ایران قبل از انقلاب ۵۷، از حاشیه به متن میآیند، و توسط "کمیته های امام" زندگی و "امنیت" جامعه را در قبال "فساد"های مثل گوش دادن به موزیک غربی، سینما رفتن و حتی تماشای مسابقات فوتبال را توسط نیروها و میلیشیاها مسلح تامین میکنند. در اینجا هم منبع تامین مالی این نیروها و میلیشیاها اسلامی، "صندوقهای قرض الحسنه" "بازاریان" سومالی و تجاری هم سخ حاج آقاهاى جمهوری اسلامی، امثال عسکر اولادی و واعظ طبسی و از محل "سهم" امامان و زعمای اسلامی است. اینجا هم چون جمهوری اسلامی، در بین جریانات دادگاههای اسلامی از همه نوع آن، از

اخبار حاکی از دخالت نیروهای دولتی اتیوپی در سومالی است. گفته میشود که پس از بمباران برخی مناطق تحت کنترل "اتحاد دادگاههای اسلامی"، نیروهای دولت اتیوپی به مرز کنترل "موگادیشو"، پایتخت مجازی سومالی، رسیده اند. اما پوشش و توجه حمله نظامی در دخالت نظامی اتیوپی در سومالی حمایت از دولتی است که به نام "دولت انتقالی"، بخشهای کوچکی از سومالی را تحت کنترل خود دارد.

به منظور ارائه تصویری کمی روشن تر از وضعیت کنونی و جنگی که در جریان است، اشاره ای به زمینه های وضعیتی که سومالی را به چنین روزگاری انداخته است، لازم است. طنز تاریخ این است که نقطه شروع بلبشوی کنونی در سومالی از سال ۱۹۹۱ آغاز شده است. ۱۲ سال پس از "انقلاب

بقیه در صفحه ۳

۱۶ آذر، عروج یک جنبش جدید!

دیپلماسی یا سلاح کشتار جمعی

حکم اعدام صدام ربطی به اجرای عدالت ندارد!

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۴

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:

۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در این عمامه

دارند. نه معلوم است چه کار می‌خواهند بکنند. اینها دارند فقط منفعت محدوده خیلی کوچکی در حکومت را نمایندگی میکنند که این محدوده در میان مردم خریداری ندارد. بنتر از جبهه مشارکت خود آقای رفسنجانی است که نه قولی میدهد، نه حاضر است قولی بدهد، و نه حتی قولی دارد که بدهد. همه "غرولند" و پرچم این جماعت در این خلاصه میشود که گویا جناح احمدنژاد در امر منبریت ناکارآمد است! انصافاً لیاقت و عدم لیاقت همه اینها، به مصداق سگ زرد و شغال، فرقی نداشته است.

تلویزیون پرتو: بگذارید دنبال "پیروز" این ماجرا سراغ مردم برویم. گفتید مردم دماغ احمدنژاد را خونین کردند. آیا روحیه و اثرات پیروزی را در مردم میتوان سراغ گرفت؟

کوروش مدرسی: اینجا باید به رابطه میان مردم و رژیم از کاتال انتخابات نگاه کنید. در مورد دوم خرداد مردم در انتخابات شرکت کردند که که به ناطق نوری بگویند "نه". اما این بعنوان رای "آری" آنها به خاتمی نبود. مورد خیرگان به یک

معنی همان مضمون است اما در یک اشل کوچکتر. اینکار دو حاصل دارد. یکی اینکه مردم در چهارچوب خود رژیم است که دارند "نه" خود را نمایش میدهند. این پیروزی بسیار محدود است. مردم هم احساس پیروزی بزرگی را نشان نمیدهند. اما در همین حد هم دماغ خونین احمدنژاد باید بتواند مردم را جری تر کند. باید روی مردم مقابل دم و دستگاه اطلاعات و بسیج و دم و دستگاه حاکم زیانتر شود. باید حداکثر استفاده را کرد. باید به سمت موقعیتی رفت که کل سیستم را زیر کشید. بهر صورت یک پیروزی در چهارچوب جمهوری اسلامی اگر پیروزی اسمش را بگذاریم فقط یک موفقیت کوچک، موقتی و محدود است. اما رهبران کارگری و اعتراضی مردم میتوانند از این مجال استفاده ببرند. میشود دولت را عقب زد و در موقعیت نامناسبتری قرار داد.

تلویزیون پرتو: به پایان گفتگو و جنبه های عملی تر مساله میرسیم. اینجا یک طنز تلخ هست. در صحنه سیاسی این کل رژیم و بخصوص حتی خود احمدنژاد را میبینم که جلو افتاده اند و رقم ۶۲ درصد را دست گرفته اند و رژیم و اعتماد به نفسشان را به

رخ مخالفین و مردم میکشند. بحث بر سر اعتماد بنفس رژیم در حمله بیشتر به مردم و مشخصاً دانشجویان فعال در اعتراضات اخیر در رسانه ها دیده میشود. شما بر عکس از اعتماد بنفس مردم حرف زدید. استنتاج عملی اوضاع فعلی را برای مردم از شما میخواستم ببرسم.

کوروش مدرسی: شرکت در انتخابات، حالا هر کدام از جناحها هم که برنده باشند، در نهایت باعث میشود که رژیم اسلامی در مقابل مردم احساس پیروزی کند. اگر این انتخابات تحریم میشد، کسی در آن شرکت نمیکرد، انطوری که ما خواسته بودیم سوت و کور میبود آنگاه امروز کل جمهوری اسلامی شکست خورده بود. مردم در موقعیت تعرضی تری بودند و جمهوری اسلامی در حالت بحرانی تری میبود. واقعیت اینستکه این اتفاق نیفتاد.

فراخوان بخش اعظم اپوزیسیون ایران برای تحریم انتخابات، در ابعاد وسیع پراخ نگرفت. خودشان میگویند ۶۰ درصد، ولی ۴۰ یا بیست درصد هم که بوده باشد، بهرحال به همین اندازه تحریم وسیع صورت نگرفته است. به این ترتیب جمهوری اسلامی از زیر یک

ضرب دیگر در رفته است. همیشه شرکت کردن در این "انتخابات" باعث میشود جمهوری اسلامی از زیر ضرب جان سالم بدر ببرد. فراخوان همیشگی ما اینستکه مردم نباید در این مضحکه ها شرکت کنند. مردم فکر میکنند میروند و دماغ یکی را خونین میکنند، که میکنند. اما کل سیستم در این وسط از زیر فشار بدر میروند. اینبار هم احمدنژاد مشتتی را بر صورت خود دریخت کرد، اما کل جمهوری اسلامی در مقابل فشار کل مردم با اعتماد بنفس تر بیرون آمده است. این قیمت بسیار بالایی است که همه ما و مردم دارند بخاطر عدم قبول توصیه ما و همه نیروهای انقلابی، میپردازند. در این موقعیت باید کاری کرد که فشار و شکست به بخشی از رژیم را به فشار به کل رژیم تبدیل کرد. نباید اجازه داد اعتماد بنفس مورد اشاره شما را به احمدنژاد و کل سران رژیم اسلامی داد.

در این میان راه دیگری وجود ندارد جز اینکه کل این جنبش انقلابی بزیر پرچم کمونیستها و بطور اخص به زیر پرچم ما گرد بیاید. این راه بجلو است. میتواند اتحاد بوجود بیاورد و میتواند کل سیستم را بهم بریزد، میتواند شبکه

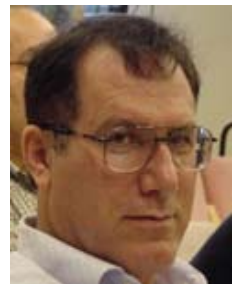
رهبران و فعالین کمیونیت و از ادیخواه را گرد هم بیاورد. از اینترنتیو عملی پرسیدید، من ۱۶ اثر همین امسال را در مقابل شما قرار میدهم. همین الگورا باید به همه گوشه کنل جامعه کشاند، بخصوص به کارخانه ها و بخشهای کلیدی جامعه. از وضعیت فعلی برای گسترش چنین کاری برای متشکل شدن طبقه کارگر و پس زدن جمهوری اسلامی باید سود جست. فرمول معجزه آسایی وجود ندارد. هر گونه "انتخابات"، اگر مردم در آن شرکت کنند، پیروزی کل جمهوری اسلامی است. بنظر میرسد بخشی از مردم در این مضحکه خیرگان و شوراها جمهوری اسلامی شرکت کرده اند. شما میبیند هر جناحی هم که شکست بخورد کل جناحها در مقابل چپ جامعه که در صدد انداختن رژیم است، رویشان زیانتر میشود. بنظر من الان جای آن هست که ابواب جمعی انصارالله و حزب الله و امثالهم که پشتشان با احمدنژاد با هم گرم است را میتوان تحت فشار قرار داد.

برای مطالعه متن کامل مصاحبه به سایت حزب مراجعه کنید.

www.hekmatist.com

۱۶ آذر، عروج یک جنبش جدید!

عبداله دارابی



darabiab@yahoo.com

۱۶ آذر امسال و ۹ روز مقابله جدی و پی در پی دانشجویان برای در هم شکستن فضای پلیسی و اختناق حاکم بر محیط دانشگاه ها که از یکسال قبل بطور جدی رو به وخامت گذاشته، بود. ۱۶ آذر امسال عروج یک جنبش جدید و بغایت انسانی است که با اتکا بخود توانست قابلیت و پتانسیل رادیکال خود را بمنظور پس زدن فضای رعب و وحشت حاکم بر دانشگاه های ایران، بنمایش گذارد و بدینوسیله توجه همه رسانه های جهان را بخود جلب و معطوف نماید. این جنبش جدید در بدو عروج خود، بار دیگر در برابر ظلمت و تاریکی شب ایستاد و با بر

افراشتن پرچم آزادی و برابری، سرنگونی بی قید و شرط و فوری رژیم جمهوری اسلامی و برقراری نیای بری از هر گونه ستم و استعمار را با صدای طنین آسای خود فریاد زد و بدینوسیله افکار عمومی را از آن مطلع ساخت. تا همین جا، باید دست همه شرکت کنندگان بویژه سازماندهندگان و دست اندرکاران مراسم های ۱۶ آذر امسال دانشگاه های ایران را بگرمی فشرده و صمیمانه به این عزیزان درود فرستاد.

باید در بدو تولد این جنبش، تفاوتها و درسهای ارزنده آنرا بخاطر سپرد و ثبت نمود تا به علم و اتکا به آن تعرضات بعدی را بهتر و گسترده تر سازمان داد و سرانجام آنرا از محیط دانشگاه به درون جامعه سوق داد. تغییر شرایط کنونی جهان و منطقه و ایران، یکی از فاکتور های است که بدون شناخت

مختلفی از جمله دستگیریها، اخراج های وسیع دانشجویان و کارگران، بیکاری و گرانی سر سام آور، حمله به زنان و آغاز شده و همچنان ادامه دارد. رسالت تقابل جدی با چنین فضایی در دانشگاه ها، تنها و تنها از عهده دانشجویان چپ و کمونیستی ساخته بود که هیچ گونه سر سازگاری با رژیم و جناح های درونی آن ندارند و بی اما و اگر خواهان سرنگونی آن هستند. اتفاقی که افتاد تصادفی نبود، تشخیص درست از موقعیت کنونی و دست بکار شدن برای پس زدن فضای حاکم بر دانشگاه های یکی از مشخصه های ۱۶ آذر امسال بود. علاوه بر این، نقطه حرکت این دانشجویان تنها مختص یک دانشگاه یا یک شهر نبود به اکثر دانشگاه های کلیدی ایران گسترش یافت که نظیرش در ایران تا حال کم بچشم نمی خورد. شکست سیاست آمریکا در عراق، تنها به هر تر کردن رژیم ایران خلاصه نمی شود، همه قوم پرستان کرد و ترک

درست از آن، نمی توان انسانهای تشنه آزادی را حول خواستها و مطالبات بر حق جمع کرد و سازمان داد. با نگاهی گذرا به اعتراضات ۱۶ آذر امسال، میتوان این تشخیص درست و متمایز از گذشته را در همه زمینه های پیشبرد کلر خوبی دیدورو آن انگشت گذاشت.

... را هم در خود فرو برد و

آنان را نیز دچار بحران عمیق سیاسی کرد که پیامد و اثرات ناشی از آن نیز چون طوق لعنت دامن بخشی از مردم را میگردد و بسهم خود فشار و سنگینی بیشتری را بر نحوه هدایت اعتراضات امسال دانشجویان تحمیل کرد. از قرار معلوم وزن و سنگینی هر دو فاکتور، راه پیشروی کمپ از ادیخواهی و برابری طلبی را بیش از پیش پیچیده تر و سخت تر نمود و فشار ناشی از آن آشکارا روی دوش رهبران و سازماندهندگان ۱۶ آذر امسال احساس میشود. سازماندهندگان و رهبران ۱۶ آذر امسال، میبایست همزمان تدارک حمله به رژیم و عقب راندن آن از موقعیت تعرضی اش و همچنین انزوی سیاست سرخوردگی اپوزیسیون کمپ راست را در دستور کار خود قرار میدادند و حول آن نیرو بسیج میکردند. با توجه به این امر شعار آزادی، برابری امسال علاوه بر رژیم کثیف جمهوری اسلامی، کمپ راست اپوزیسیون ایران را هم نشانده رفت و سیاست یس و نا امید کننده آنان را نیز زیر ضرب قرار داد. به همین

بقیه در صفحه ۴

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ نگاهی به

اصلاح طلب و مدافعان نص اصلی قرآن (که گویا زیاد خشونت طلب نیستند!) تا "گروههای سرخود" وجود دارند. بخش نظامی اتحاد دادگاههای اسلامی، که به نام "شبلب" شناخته شده اند، و ترکیب آن اساسا از جوانان است، شباهت زیادی به باند‌های انصار حزب الله و بسیج و ثارالله دارند. این "جناح" ها در "تحمل" متقابل و در دایره اسلامی با هم "دیالوگ" دارند و در عین حال هر جماعتی در محدوده ریاست و صدارت، "خودمختاری" کامل دارد و این قدرت مطلقه و اختیارات نامحدود در هر منطقه، مورد "احترام" همه دیگر "قزائن" ها از اسلام و از شریعت و قوانین اسلامی و قرآنی است. نیروهای مسلح شبلب، به عملیات "رادیکال" و "سازش ناپذیر" معروف اند، یک باره و بدون هیچ خبر قبلی به میدان مسابقه فوتبالی حمله میکنند، بازی را تعطیل میکنند و عده ای را میکشند. واحدهای اتحاد دادگاههای اسلامی در منطقه و حوزه نفوذ خود، طبق "قوانین" خود و به اتکا قدرت نیروی مسلح خود، میگیرند، محاکمه میکنند، اعدام و سنگسار میکنند و خرده حکومتیای طالبان را ابقا میکنند. این مناطق خودمختار در عین حال مامن و پناهگاه و محل سازماندهی سران جریانات اسلامی، چون القاعده، نیز هستند.

تجزیه ساختار اقتصادی سومالی و مختل کردن کل مکانیسم تولید و بازتولید اقتصادی و اجتماعی، دایره وسیعی از انواع موسسات اقتصادی و قضایی و سیاسی و اداری خودمختار تماما اسلامی را دامن زده است. اینجا هم جریانات اسلامی، بر متن فروپاشی شیرازه مکانیسمهای تولید و بازتولید، محلی از اعراب دارند و فلسفه خرده حکومتها و دادگاههای شریعه اند. یکی از بزرگترین خیانتها به اسلام، پوشیدن لباسهای مدل غربی و از آن غیر قابل بخشش تر، هر نوع تظاهر سکس و عکس و تصویر پورنو است. در آستانه فروپاشی شوروی و طلوع خونین نظم نوین در جنگ عراق در سال ۹۱، چنین تحولاتی بطور مازی در سومالی رخ داده اند. اما سومالی کشوری است که به زعم ژورنالیستها و مورخین غربی و بویژه از منظر مکتب منحط پسامدرنیستها، تقریبا تماما "اسلامی" است، کشوری است فاقد اهمیت استراتژیک و موقعیت ژئوپولیتیکی با اهمیت. اینجا میتواند به "فراموشی" سپرده

شود و پروسه قدرتیگری جریانات مرتجع و ضدانسانی اسلامی ها، از انظار پنهان بماند. نه مرز توریستی است، نه بازار قابل اهمیتی برای سرمایه گذاری شرکتیهای غربی است و نه جابجایی قدرت سیاسی در آن، میتواند نشانی از قدرت یک قطب و بلوک سیاسی و اقتصادی تلقی شود.

داستان حکومت "انتقالی" و عناصر و نیروهای تشکیل دهنده آن هم در نوع خود جالب است. تا قبل از فروپاشی دولت "فدرال" سومالی، war lord هائی که اساسا از روسای قبایل تشکیل شده بودند، آن دولت را به مصاف میطلبیدند. جالب این است که این war lord ها، "سکولار" معرفی میشدند و در مراحل اولیه و در دوره جنگ اینها برای ساقط کردن حکومت سومالی، از پشتیبانی آمریکا برخوردار نبودند. اکنون استخوان بندی دولت "انتقالی" مورد حمایت آمریکا و اتیوپی را همان ساختار سیاسی نظامی war lord ها تشکیل میدهد.

حکومت "اتحاد دادگاههای اسلامی"، سومالی را به آستانه سقوط کامل، بویژه از نظر اقتصادی برده است. حکومت دادگاههای شریعه و بیکه تازی انواع نیروهای مسلح میلیتاریستی وابسته به جریانات نسبتا خودمختار، به قدرت اقتصادی سرمایه داران و تجاری وابسته است که خود فاقد یک دورنمای روشن از نظر ملاکهای اقتصادی اند، کمکهائی که گاه از جانب شیوخ عربستان و اتحادیه عرب به سومالی سرازیر میشوند، اساسا جنبه سیاسی و به منظور نگاهداشتن نیروهای مزدور برای حفظ و بقای تاثیرگذارهای سیاسی و اعمال نفوذهای بعدی است. جامعه به این ترتیب دارد بطور کلی از دایره تولید و بازتولید خارج میشود.

سوال این است که آیا جنگ اتیوپی علیه نیروهای اتحاد دادگاههای شریعه سرانجام قادر خواهد شد، سلطه راهزنان اسلامی را بر سومالی خاتمه بدهد؟ آیا اعاده حکومت روسای قبایل "سکولار"، همان کسانیکه در فرهنگ ژورنالیسم غرب، War Lord لقب گرفته اند، اساسا ممکن است؟ توجه به این نکته لازم است که اتیوپی، از نظر غرب، دولت "مسیحیان" است. آیا دولت اتیوپی که خود بر بستر دورانی از افول در سیاست نظم نوین استوار است، (بویژه با بن بستیکه آمریکا در عراق با آن روبروست) قادر خواهد شد بانی نظامی مبتنی بر بازسازی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی سومالی باشد؟ مساله این است که این مهم بدون یک

حمایت همه جانبه جامعه بین المللی، غرب و سازمان ملل ممکن نمیشود. در این صورت این مساله که دخالت نظامی اتیوپی در سومالی میتواند منجر به دوره ای از بی ثباتی های بیشتر و جنگ و گریزهای نظامی و کشت و کشتارها و قتل عامها بشود، دور از انتظار نیست. سوال این خواهد بود که آیا سومالی و برخی از دیگر کشورهای "جنگ زده" آفریقا میرود که برای دوره ای نسبتا طولانی به منطقه و کشورهای "فراموش" شده جهان تبدیل شود؟ آیا واقعا ما، انسانیت بی ربط به این جنایات را وادار خواهند کرد که به زندگی با ترور و وحشت عادت کنیم؟ آیا واقعا از ما، جهان انسانیت کاری ساخته نیست؟ اگر یک قطب سوسیالیستی و یک مرکز امید مدنیت در جهان وجود داشت، جنگ در سومالی میتواندست با یک قطب نما، به سلطه باندها و داروخته ای اسلامی پایان دهد و مکانیسمهای زندگی و ساختاری جامعه را اعاده کند. جهان واقعا بدون فراخوان "خطر" سوسیالیسم، یک لجنزار است.

آیا بشریت و مدنیت غربی، به سازماندهی کمک های مالی و ارسال لباس و دارو از جانب اشرافیت "قفقیزنواز"، فشار روانی تلف شدن انسانیت را در این بخش جهان با اعلام همبستگی "حقوق بشری" با مردم "جنگ زده"، در مجالس مجلل خصوصی و عمومی خود تسکین خواهد داد و یا یک بلر دیگر شیخ سوسیالیسم و اوپانیسم سوسیالیستی را به اتکا قدرت اجتماعی طبقه کارگر صنعتی بر فراز جهان به پرواز در خواهد آورد؟

به حزب حکمتیست

کمک مالی کنید!

Name: A.J

Bank: Natwest

Account Number:
6504128

Sort code:601520

اعلامیه حزب کمونیت کارگری ایران_ حکمتیست

دیپلماسی یا سلاح کشتار جمعی

در مورد تحریم اقتصادی ایران

۲۳ دسامبر شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی تصویب کرد و ایران را به خاطر دسترسی به تکنولوژی غنی سازی اورانیوم، مشمول برخی تحریم های تجاری بین المللی قرار داد. بهانه این قطعنامه استفاده از دیپلماسی بین المللی برای محدود کردن امکان دسترسی دولت ایران به سلاح اتمی است.

همزمان دولت انگلیس رسما و علنا اعلام کرد که برنامه گسترش تولید سلاح های اتمی و تولید زیر دریایی های مخصوص این کار را دارد که بودجه ای حدود ۲۰۰ میلیارد پوند طی ۳۰ سال آتی هزینه خواهد داشت! بهانه این سرمایه گذاری وسیع و علنی بر روی تولید و گسترش سلاح اتمی توسط دولت بلر، نامنی و خطر تروریسم است!

قطعنامه شورای امنیت نه ربطی به امنیت جهان دارد و نه ربطی به مبارزه با تروریسم اسلامی. نه تحریم اقتصادی سلاحی علیه ارتجاع است و نه سازمان ملل و شورای امنیت اش مأمور حفظ امنیت جهان. سازمان ملل و شورای امنیت در دو دهه گذشته جز مهره بی اراده سیاست خارجه آمریکا و انگلیس نبوده است و صدور قطعنامه اخیر در تحریم تجاری علیه ایران جز ادامه سیاست بوش و بلر در تحکیم نظم ضد انسانی ارعاب و قلندری نظامی بر جهان نیست. همان سیاستی که با تحریم اقتصادی عراق میلیونها کودک در عراق را یک دهه به مرگ از گرسنگی و عدم دسترسی به دارو و آب آشامیدنی کشاند! سیاستی که بنیاد آن تمام جامعه چند میلیونی عراق را تماما با بمب و خمپاره نابود کرد و عراق را به مرداب و باتلاقی از جنگ و مرگ و نیستی کشاند! مرداب و باتلاقی که در آن بیش از همه ارتجاع اسلامی و قومی و مذهبی زنده شد و رشد کرد!

تحریم اقتصادی و تجاری علیه ایران، در هر سطحی، فرمال باشد یا واقعی، علیه مردم ایران و سلاح کشتار جمعی دیگری است که جز فقر و محرومیت بیشتر برای مردم ایران در بر نخواهد داشت و باید قویا توسط همه مردم آزادیخواه و احزاب و سازمانهای مترقی محکوم شود. تنها خبر انتشار این قطعنامه به خودی خود و در همین سطح، گرانی، فقر و محرومیت بیشتری را به مردم ایران تحمیل میکند. بعلاوه مردمی که در کمین جمهوری اسلامی برای سرنگون کردن آن و خلاصی از شر حاکمیت ارتجاع اسلامی در ایران نشسته اند را عقب میکشاند و دست جمهوری اسلامی در حمله به مردم را به بهانه این تحریم بلژتر میکند. تحریم اقتصادی ایران سلاح کشتار جمعی علیه مردم و در خدمت بقا ارتجاع اسلامی است و باید قویا توسط همه مردم آزادیخواه محکوم شود.

باید این "دیپلماسی" کثیف و ریاکار، سازمان ملل و شورای امنیت، بوش و بلر و ارتجاعي که به بهانه مبارزه با تروریسم و دیکتاتورها، میلیونها نفر را از دسترسی به وسائل زندگی محروم میکند و خروارها بمب بر سر مردم بیگناه سرازیر میکند و بیشمارانه خود باز با همین بهانه میلیارها پوند و دلار صرف تولید سلاح اتمی میکند، را قویا محکوم کرد. این سیاست، نظم ضد بشری و ضد انسانی به مردم و مبارزه مردم برای آزادی و برابری تعلق ندارد. این نه دیپلماسی که جنگی رسمی و علنی علیه مردمی بیگناه، زندگی و سلامت آنها است و باید محکوم شود. مردم ایران و جهان نه به گزرمه ها و ژاندارم های قلندر و خودگماره بوش و بلر نیاز دارند و نه به وحوشی از نوع احمدی نژاد و خامنه ای که تنها در پرتو انواع این "دیپلماسی" رشد میکنند! باید این نظم ضد انسانی را از بنیاد برهم زد و همراه آن بشریت را از وجود همه انواع ارتجاع خلاص کرد.

حزب کمونیت کارگری - حکمتیست

۲۷ دسامبر ۲۰۰۶

به حکمتیست ها به پیوندید!

بقیه از صفحه ۲ ۱۶ آذر

خاطر ترجمه پیام سیاسی جنبش دانشجویی امسال خطاب به کل جنبش دانشجویی و مردم ایران، بسیار روشن تر و جذاب تر از هر زمان دیگری بود و سر راست به دانشجویان و مردم میگوید: غیر از عقب راندن و در نهایت سرنگون کردن رژیم هیچ راه حل دیگری موجود نیست، باید آنرا از موقعیت فعلی پس زد برای تدارک سر

هیچ دست غیب دیگری غیر از نیروی متحد و متشکل خودمان اتکا نمود. باید رو پای خودمان بایستیم و با اراده و اتحاد چون سالمان یافته و جمعی خودمان مبارزه برای سرنگونی بی چون و چرای رژیم را تسریع بخشیم و بی وقته تا متحقق ساختن آن پیش برویم. علاوه بر آن، مضمون شعارها و مطالبات امسال و خم شدن روی سنت سازماندهی حول این پرچم، یکی دیگر از شاخص های بسیار بسیار مهم

و موفقیت آمیز ۱۶ آذر امسال بود که بطرز برجسته ای خط و مرز روشن خود را با فعالیت های گذشته جنبش دانشجویی نشان میدهد.

در ادامه این حرکت چه باید کرد؟

عروج جنبش دانشجویی با کیفیت چپ و رادیکال هنوز در ابتدای کار است. این جنبش با این مضمون، هنوز کار هرکولی و طاقت فرسایی را پیش روی دارد

که اگر به آن واقف نباشد قابلیت بازگشت و شکنندگی آن بالاست. در عین حال نباید این را فراموش کرد که، استعداد و پویایی در ابراز وجود اولیه این جنبش، بسیار برجسته است که براهتی میشه روزی زبانی تازه ساختن آن خشت های پیشماری را گذاشت و بسرعت آنرا رشد و پرورش داد. اتکا به سیاست سازماندهی کمونیستی و گسست از تظاهر صرفا سازمانی و فرقه ای چپ غیر کارگری، یکی از مولفه های اصلی بقا و گسترش این جنبش است. باید رو آن فوکوس کرد و خم شد تا بتوان با اتکا به آن انسانهایی را که تنشه آزادی و برابری هستند دور خواست و مطالبات خود جمع کرد و سازمان داد.

حرکت اخیر ۱۶ آذر، سرآغاز و سرفصل همین شیوه کار و همین سنت جدید است. بدون توسل به آن امکان استقرار و استحکام و ادامه کاری میسر نخواهد بود و

چیز بیشتری غیر از آنچه تا حال در گذشته اتفاق افتاده عاید نخواهد شد. در کنار این امر مهم، اتخاذ سیاست درست، طرح شعار و مطالبات درست و بموقع میتواند بسرعت ۱۶ آذر امسال را به تمام دانشگاه های سراسر ایران و کل جامعه وصل کند. مضافا اینکه ۱۶ آذر امسال بجا و بدرست از روند همسرنوشتی دانشجویان چپ و کمونیست با کارگران و آزادی رهبران زندانی و خواست مطالبات طرح شده اشان دفاع نمود که اثرات آن بسیار قابل لمس بود. توجه به همسرنوشتی کارگران و کمونیستها، اولین پشتوانه عملی و معنوی جنبش رادیکال دانشجویی، کارگران خواهند بود که فوکوس کردن رو آن امریست ضروری و اجتناب ناپذیر که باید بمثابة یک واقعیت انکارنا پذیر به آن اتکا نمود.

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

حکم اعدام صدام ربطی به اجرای عدالت ندارد!

روز سه شنبه ۲۶ دسامبر ۲۰۰۶، دیوان عالی دادگاههای عراق حکم اعدام صدام حسین را تأیید کرد. طبق این حکم صدام حسین از تاریخ ابلاغ حکم تا ۳۰ روز باید بدار آویخته شود. گفته شده است حکم اعدام صدام به جرم جنایت علیه بشریت صادر شده است. این ادعا دروغی آشکار و ریاکاری محض است. اعدام صدام سر سوزنی به اجرای عدالت در عراق مربوط نیست. این حکم به دلیل کیفرخواست مردم عراق، به دلیل دفاع از هزاران انسان که به دستور صدام کشته شده اند صادر نشده است.

صادر کنندگان این حکم و مجریان آن خود دست کمی از صدام ندارند. اگر قرار باشد به جرم جنایت علیه بشریت حکمی صادر شود و کسی بدار آویخته شود، آنوقت در صف اول جنایتکاران باید بوش و بلرها قرار بگیرند. اینها خود با سیاستی که در پیش گرفته اند، دهها برابر صدام حسین مردم را در عراق قتل عام کردند. اینها عاملین کشتار و جنایت علیه بشریت هستند. کسانی که امروز سنگ دفاع از مردم عراق را به سینه میزنند، کسانی که در مقام دفاع از "عدالت" و دفاع از قربانیان جنایت صدام ایستاده اند، خود عاملین کشتار کودکان عراق، عاملین سیه روزی مردم و نابودی کامل شیرازه جامعه ای به نام عراق هستند. در اثر سیاستهای نظم امپریالیستی دول غربی و در راس آنها بوش و بلر، اکنون کشور عراق به ویرانه ای تبدیل شده است. در پرتو سیاست های ضد انسانی آنها، حل مسئله فلسطین به یکی از بغرنجترین مسائل خاورمیانه تبدیل شده است و جریانات قومی، اسلامی و تروریستی هر روز در گوشه ای جان و زندگی صدها انسان بی گناه را میگیرند. اگر قضیه محاکمه جنایتکاران است، آنوقت باید معلوم باشد جایگاه بوش و بلر و شارون و دهها جنایتکار کشتار جمعی مردم کجاست.

اعدام دیکتاتور سابق عراق، توسط دیکتاتور های کنونی آن ربطی به اجرای عدالت ندارد، ربطی به محاکمه قاتلین مردم عراق ندارد. این حکم قرار است نقطه عطفی در پیروزی ملیتاریسم و ارتجاع امپریالیستی در این کشور و معنای "پیروزی" آمریکا باشد. این حکم نه معنای پیروزی مردم که قرار است معنای پیروزی حکامی باشد که خود کمتر از صدام پرونده جنایت علیه بشریت ندارند. حکم اعدام صدام، حکم مرعوب کردن هر جنبنده ای است که مهر "دشمنی" با آمریکا را بر پیشانی خورده است!

با اعدام صدام، نه تنها جنایت و کشتار از سر مردم عراق و منطقه کم نخواهد شد، بلکه به جنگ و کشتار قومی و مذهبی بیش از پیش دامن زده میشود. این حکم خود بخشی از ارعاب، انتقام جویی و قتل سازمان یافته توسط قاتلین مردم عراق است و باید محکوم شود. پایان جنایت در عراق و منطقه تنها با مقابله ای جدی و همه جانبه علیه کل عاملین جنایت و کشتار مردم، علیه توحش نظم نوین امپریالیستی و علیه هیزم اوران جنگ قومی و مذهبی مقدور است. این کار تنها به همت مردم متمدن مقدور است، مردمی که مخالف هر نوع اعدام و جنایتی هستند.

پایان این بربریت کار بشریت متمدنی است که برای یک بار هم شده است میخواهند سرنوشت انسان را از دست بوش و بلر و صدام و شارون خلاص کنند. پایان این بربریت تنها به قدرت طبقه کارگر آگاه و سازمان یافته مقدور است که تصمیم دارد به این دنیای وارونه خاتمه دهد و بشریت را برای همیشه از توحش و بی عدالتی نجات دهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۷ دسامبر ۲۰۰۶

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب :

www.hekmatist.com

www.jawax.com

www.iran-telegraf.com

www.marxhekmatsociety.com

www.oktoberr.com

www.hekmat.public-archive.net

تماس با حزب

کورش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

خالد حاج محمدی معاون لیدر حزب

Khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

نسان نودینیان دبیر کمیته خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی دبیر کمیته داخل

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!